



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری
سال سوم، شماره‌ی ۸، بهار ۱۳۹۳
صفحات ۳۰-۱۱

توسعه‌ی پایدار گردشگری از دیدگاه دو مکتب ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

محمود ضیایی*

ابتهال زندی**

نیلوفر عباس‌پور***

مرجان عبدی****

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۱۶

چکیده

توسعه پایدار گردشگری مجموعه‌ای از اصول، خط‌مشی‌ها و روش‌های مدیریتی برای ترسیم مسیر توسعه‌ی گردشگری به گونه‌ای است که رفاه جوامع انسانی و سلامت اکوسیستم‌های طبیعی در دراز مدت تضمین شود. در این میان برداشت‌های متعددی از این مفهوم و شیوه تحقق آن وجود دارد که خود معلول پارادایم‌های فکری و دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران است. آشنایی دقیق‌تر دانش‌پژوهان و مدیران اجرایی گردشگری ایران با این مکاتب‌های فلسفی و پارادایم‌های فکری مطرح در این زمینه امری ضروری است. به همین منظور این نوشتار می‌کوشد پس از مطالعه‌ی تطبیقی مکاتب‌های فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم، رویکرد «توسعه پایدار گردشگری» را از منظر این دو دیدگاه مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. این مطالعه‌ی تطبیقی ضمن کمک به بسط دایره معرفت‌شناسی نظام علمی گردشگری می‌تواند به ترویج روحیه نقادی نسبت به خط‌مشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار گردشگری کشور منجر شود.

واژگان کلیدی: توسعه‌ی پایدار گردشگری، مکاتب فلسفی، ایده‌آلیسم، پراگماتیسم

مقدمه

تاریخ فلسفه با تاریخ تفکر و اندیشه انسان توأم است؛ اما نمی‌توان به‌سادگی زمان و مکان معینی را به‌عنوان مبدأ و منشأ اصلی پیدایش فلسفه در جهان معرفی کرد. انسان به حکم

* نویسنده مسئول: عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (mdziaee@gmail.com)

** دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری دانشگاه علامه طباطبایی

*** دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری دانشگاه علامه طباطبایی

**** دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری دانشگاه علامه طباطبایی

خواهش فطری خویش، هر موقع و در هر جا که مجال و فرصتی برای تفکر پیدا کرده، از اظهار نظر درباره‌ی جهان و نظام کلی عالم خودداری نکرده است. تا آنجا که تاریخ اندیشه نشان می‌دهد، در بسیاری از نقاط جهان مانند مصر، هند، ایران و یونان، فلاسفه و متفکران بزرگی ظهور کرده‌اند و مکاتب فلسفی مهمی به‌وجود آورده‌اند. با وجود این یونان باستان را مهد فلسفه و حکمت تلقی کرده‌اند.

در واقع، علت به‌وجود آمدن مکاتب فلسفی، دیدگاه‌های مختلف فیلسوفان نسبت به‌تعریف فلسفه است که سبب اختلاف در اصول و در نتیجه پایه‌گذاری مکاتب مختلف شده است. هر مکتب فلسفی معلول سلسله‌ای از مقتضیات و شرایط است. این عوامل و شرایط می‌توانند هم مسائل بیرونی مانند عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و هم مسائل درونی همچون استعداد، خلاقیت‌های ذهنی، پیش‌فرض‌های شخصی متفکران یک مکتب باشند (عرب مؤمنی، ۱۳۹۰: ۱). لذا بررسی هر مسئله و موضوعی از دیدگاه و منظر مکاتب مختلف، می‌تواند نتایج متفاوت و شاید متناقضی به‌دنبال داشته باشد که این موضوع افق‌های تازه‌ای را درخصوص موضوع پیش‌روی محقق می‌گشاید. در این میان، موضوع «توسعه‌ی پایدار» از اواخر دهه‌ی ۸۰ میلادی در بسیاری از پژوهش‌های توسعه، به‌طور کل و در پژوهش‌های گردشگری، به‌طور خاص رواج یافت (لیو^۱، ۲۰۰۳: ۴۵۹). یکی از مفاهیم مهمی که در ۲۰ سال گذشته به ادبیات گردشگری وارد شده، همین مفهوم گردشگری پایدار است (موزر^۲ و وان پاینن^۳، ۲۰۱۳: ۹۱). تاکنون تعاریف متعددی از پایداری و توسعه‌ی پایدار در گردشگری ارائه شده که برگرفته از مفهوم «توسعه‌ی پایدار» است. رایج‌ترین تعریف از گردشگری پایدار از سوی سازمان جهانی جهانگردی ارائه شده است (کوکانن^۴ و ریوس-مورالز^۵، ۲۰۱۳: ۱۲۶) که وجود تعاریف متعدد از توسعه‌ی پایدار گردشگری حاکی از اهمیت این موضوع و ابهامات موجود در آن است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا و همگام با توسعه‌ی مبانی نظری در حوزه گردشگری دیدگاه‌ها و نظرات فلسفی مختلفی در مورد توسعه‌ی پایدار گردشگری نیز مطرح شده است که برخی از آن‌ها در این مقاله بررسی خواهد شد. همچنین به موازات پیشرفت و توسعه‌ی علم نوپای گردشگری، به‌نظر می‌رسد اکنون زمان آن فرارسیده تا با گذار از نگرش‌های پوزیتویستی رایج در مباحث این علم، به اصول بنیادین و مبانی فلسفی گردشگری وارد شده و با پرداختن به دانش نظری که از دیدگاه اندیشمندان بالاترین مرتبه دانش است (داوری اردکانی، ۱۳۹۱: ۱۹۲)، مطالعات گردشگری را به مرحله‌ای جدید ارتقا دهیم. در این خصوص و به‌منظور انتخاب درست و متناسب با ضرورت‌ها و نیازهای جامعه، لازم است اندیشه‌های مطرح در مکاتب فلسفی قدیم و

¹ Liu

² Meuser

³ Von Peinen

⁴ Kuokkanen

⁵ Rios-Morales

جدید مورد نظر قرارگیرند و با یکدیگر مقایسه شوند. ایده‌آلیسم به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین مکاتب فلسفی، از یک سو و پراگماتیسم به‌عنوان یکی از مکاتب فلسفی قرن بیستم از سوی دیگر می‌توانند زمینه مناسبی برای مقایسه باشند در این راستا پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که دیدگاه فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم در خصوص توسعه‌ی پایدار گردشگری چیست و این که این دو دیدگاه چه وجوه تشابه و افتراقی در زمینه توسعه‌ی پایدار گردشگری با یکدیگر دارند؟ به‌همین منظور ابتدا نگاهی خواهیم داشت به ارکان و اصول مکاتب پراگماتیسم و ایده‌آلیسم و سپس رویه‌هایی پیاده‌سازی این مفهوم از دید هر یک از مکاتب فوق‌الذکر بررسی خواهد شد.

مبانی نظری

مکتب پراگماتیسم

واژه "Pragmatism" به‌معنای عمل‌گرایی برگرفته از "Pragma" به‌معنای کنش یا عمل است (قنبری، ۱۳۸۳: ۴۱) و پراگماتیسم یا مکتب اصالت عمل که مقابل "Intellectualism" یا مکتب اندیشه و نظر جای دارد (صالح، ۱۳۸۳: ۴)، نگرشی فلسفی است که همواره بر کنش، عمل و آنچه کارایی دارد، تأکید می‌ورزد (قنبری، ۱۳۸۳: ۴۱). مکتب پراگماتیسم بر تجربه، تحقیق تجربی و حقیقت از آن حیث که نتایجی قانع‌کننده دارند، تأکید می‌ورزد (خاتمی، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۶). در واقع پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه‌ای عمل‌گرایانه و واقع‌نگرانه از اهمیت زیادی برخوردار است و شکل‌گیری آن در تقابل با رویه‌های ذهن‌گرایانه فلسفی صورت پذیرفت، به‌جای توجه به اهداف کلی، دوردست و ذهنی، اهدافی را ترسیم می‌کند که بتوانند عملاً مورد اجرا قرار گیرند و در حل مشکلات مؤثر باشند (رهبری، ۱۳۹۰: ۱۳۹). به‌طور کلی اصول محوری پراگماتیسم عبارتند از (خاتمی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۹۹):

۱. طبیعت‌گرایی^۱: طبق این اصل هرگونه امور فوق‌طبیعی یا دخالت نیروهای فوق‌طبیعی انکار و طبیعت برابر وجود در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر، به‌دلیل آن که طبیعت، قلمرو تجربه است، طبیعت‌گرایی ملازم تجربه‌گرایی است. لذا طبق نظرگاه فلاسفه عمل‌گرا، تجربه اصل واقع می‌شود.

۲. ابزارانگاری^۲: این اصطلاح، به یک معنا معادل پراگماتیسم است و به‌عنوان یک اصل، مورد قبول قبول تمامی پراگماتیست‌هاست (به استثنای پیرس^۳) ابزارانگاری به این معناست که لازم است تفکر، پدیده‌ها و نظریه‌ها به‌عنوان ابزاری جهت تطابق ارگانیزم با محیط تفسیر شود و میزان سنجش آن، مرجعیت دادن انسان و تأکید بر عقل ابزاری است.

¹ Naturalism

² Instrumentalism

³ Peirce

۳. اصالت منفعت^۱: بر طبق این اصل باید نتیجه یا سود پایان عمل را لحاظ کرد. بدین معنا حقیقت ثابتی وجود ندارد؛ یعنی جریان امور طبق صورت منطقی پیش نمی‌رود، بلکه انسان ابتدا نتیجه را در نظر می‌گیرد و برای آن مقدماتی فراهم می‌آورد تا آن نتیجه را تأمین نماید. با این نگاه، اصولاً هیچ‌گونه دیدگاه واحدی وجود نخواهد داشت و در همه ابعاد و به تعداد انسان‌ها حقیقت متکثر خواهد شد. بنابراین، نسبی‌گرایی و فردگرایی نیز از آثار این دیدگاه و جزو اصول اولیه پراگماتیسم است.

۴. علم‌گرایی^۲: طرفداران پراگماتیسم، روش علمی را در عرصه‌های روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و نیز علوم اجتماعی در حوزه‌ی تجربه‌ی انسانی گسترانیده‌اند. بدیهی است که ملاک صحت و استعمال این روش منوط به کاربردی بودن، رضایت‌بخش بودن، نتیجه‌آور بودن و مفید بودن در مقام عمل است و این همه‌ی مزایایی است که روش علمی دارد.

به‌طور کلی جوانب عمل‌گرایی از موضع فلسفی، عبارتند از (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۶۹-۲۶۸):

۱- از دید آنان حقیقت یا واقعیت، به‌گونه‌ی آماده در جهان واقعی وجود ندارد؛ بلکه در ضمن عملکرد ما در جهان فعال می‌گردد.

۲- دانش افراد در باب جهان مبتنی بر سودمندی آن است که به‌محض ناکارآمد شدن آن، دستخوش تحولاتی می‌گردد.

۳- افراد، شناخته‌های اجتماعی و فیزیکی خود را نیز با ابتناء بر فایده‌ی آن تعریف می‌نمایند.

۴- شناخت کنشگران در گرو کار عملی آن‌ها در جهان است.

مکتب ایده‌آلیسم

واژه‌ی آرمان‌گرایی یا ایده‌آلیسم (Idealism) که ریشه‌ی یونانی دارد، به‌مجموعه‌ی عقاید و نظریات متفاوتی گفته می‌شود که به این اصل باور دارند که واقعیت در اصل، صوری، روحی و غیرمادی است. در واقع، ایده‌آلیسم ذهن و عقل را مقدم بر ماده و پدیده‌های طبیعی می‌داند و طرفداران این نظریه واقعیت را فکری می‌دانند که در ذهن افراد وجود دارد نه در دنیای فیزیکی و مادی. همواره در مقابل ایده‌های اخلاقی ایده‌آلیسم (آرمان‌گرایی)، دیدگاه‌های معطوف به قدرت رئالیسم (واقع‌گرایی) نیز وجود داشته است. هرچند وجه مشترک هر دو نگرش، تأمین رضایت و امنیت انسان بوده است؛ اما یکی از آن‌ها (رئالیسم) حصول رضایت باطن را در «فایده» جستجو کرده و دیگری (ایده‌آلیسم) «سعادت» را فلسفه‌ی اصلی کوشش بشر قلمداد نموده است (همان) به‌طور کلی، مفاهیم و دیدگاه‌های محوری ایده‌آلیسم عبارتند از (نصری، ۱۳۸۲: ۵۹۸):

¹ Utilitarianism

² Scientism

۱. زمینه‌مندی رفتار^۱: ایده‌آلیست‌ها معتقدند که رفتار انسان در تعقیب ایمنی یا تولید ناامنی، معلول شرایط محیطی است. ذات انسان، اساساً شریف، مسالمت جو و قابل احترام است که در نتیجه مناسبات مدرن و پیچیده اجتماعی، ناگزیر به چپاول روی می‌آورد تا بقای خود را حفظ نماید (ژان روسو^۲، ۱۹۷۳: ۴۵-۴۴).

۲. وجدان و افکار عمومی: ایده‌آلیست‌ها از افکار عمومی آگاه، انتظار تصمیم عقلایی دارند و معتقدند که خرد جمعی در قیاس با عقل فردی، اشتباه کمتر و محدودی را مرتکب می‌شود. ایده‌آلیست‌ها بر دو عنصر آگاهی و آزادی تأکید ویژه‌ای دارند و معتقدند با فرض شریف و عاقل بودن انسان‌ها، می‌توان و باید از آن‌ها انتظار رفتار معقول و مسالمت‌آمیزی داشت و اگر چنین نباشد، ناگزیر به حدود آگاهی یا آزادی انسان‌ها تجاوز شده است.

۳. رهبری خرد: آرمانگرایان برخلاف واقعگرایان بر نقش خرد در تواناسازی و توان‌افزایی انسانها تأکید دارند. به عقیده ایده‌آلیست‌هایی چون کانت، «صلح پایدار» هنگامی برقرار می‌شود که به نقش خود-بنیاد عقل در تنظیم جامعه به سامان و مترقی اعتماد کنیم.

۴. تقدم آرزو بر اندیشه: ایده‌آلیست‌ها، عمل را نه وسیله نیل به سعادت می‌دانند و نه از آن به‌عنوان ابزاری برای تحصیل یک هدف یاد می‌کنند، بلکه آنان به «اصالت وظیفه» اعتقاد دارند. در واقع برای اغلب ایده‌آلیست‌ها غایت بر وسیله و آمال بر اندیشه تقدم دارد.

۵. کمال‌گرایی^۳: کمال‌گرایی در ایده‌آلیسم سرکشی از نظم موجود نیست بلکه تلاشی در جهت رسیدن به جایگاه والا و مطلوب است و مکانیسم این تعالی نیز بر اساس قوانینی است که توسط ذهن قانون‌گذار و عقل و خرد انسان وضع می‌شود.

۶. هماهنگی منافع ملی واحدها: در مقابل رئالیست‌ها که بر منافع ملی یکایک کشورها و تمیز امنیت ملی تأکید داشتند؛ ایده‌آلیست‌ها، منافع ملی کشورها را نافی و ناقض هم نمی‌دانند و عقیده دارند که استعداد سعادت بار انسان در گستره‌ی واحدهای بزرگتر اعم از ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکوفایی مضاعفی می‌یابد.

به‌طور کلی می‌توان گفت، ایده‌آلیسم به دیدگاه‌هایی اشاره دارد که بر نقش اصلی تفسیر آرمانی یا معنوی انسان از تجربه تأکید دارد. بر اساس ایده‌آلیسم شناخت انسان محصول اندیشه و خردورزی وی است و روش کسب معرفت از این دیدگاه دیالکتیک است (وست، ۱۹۸۹؛ باتلر، ۱۹۶۸؛ به نقل از میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۷). جدول شماره‌ی ۱، وجوه اشتراک و افتراق در مبانی فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

¹ Contextual Behavior

² Jean-Rousseau

³ Perfectionism

جدول (۱): وجوه اشتراک و افتراق در مبانی فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

مبانی فلسفی	وجوه اشتراک	وجوه افتراق
هستی‌شناسی	<p>۱. برای رسیدن به واقعیت نیاز به تحریک، برانگیختگی و راهنمایی می‌باشد.</p> <p>۲. رسیدن به نهایت تواناییهای انسان مورد نظر است.</p> <p>۳. انسان موجود اجتماعی است.</p> <p>۴. برای هرکس به تناسب تواناییهایش، فرصت استفاده کردن و سعی و تلاش به منظور تکامل و رسیدن به هدف باید فراهم گردد.</p>	<p>۱. در ایده‌آلیسم واقعیت جهان ذاتاً روحی است و جهان مظهري از عقل و اراده‌ی کاملاً عمومی است. در حالی که در پراگماتیسم واقعیت جهان، تجربه‌ی بی‌ثبات و نامعین است.</p> <p>۲. در ایده‌آلیسم ماهیت حقیقی انسان غیرمادی است و واقعیت انسان جزئی از روح کلی است. در حالی که در پراگماتیسم انسان بخشی از تجربه و بخشی از طبیعت است.</p> <p>۳. در ایده‌آلیسم، خداوند روح مطلق و قدرت ازلی در جهان است و آفرینش صنع خداوندی است. در حالیکه در پراگماتیسم موجودات مجرد، غیرطبیعی و عقلانی وجود ندارند و همه چیز در جهان بر اثر تجربه است.</p>
معرفت‌شناسی	<p>۱. معرفت اساس درک هستی است.</p> <p>۲. انسان قدرت دریافت حقایق را دارد و دانش نتیجه‌ی تلاش انسان است.</p> <p>۳. عقل به درک جهان کمک می‌کند.</p> <p>۴. به خود شکوفایی و خود فعالی اهمیت می‌دهند.</p> <p>۵. ذهن قلمرو معانی و مفاهیم است.</p>	<p>۱. در ایده‌آلیسم، تجربه حاصل، ذهنی است. در حالی که در پراگماتیسم، تجربه محصول تعامل ذهن و محیط است.</p> <p>۲. در ایده‌آلیسم، منظور از دانستن رسیدن به حقیقت ابدی و مطلق است. در حالی که در پراگماتیسم رسیدن به واقعیت‌های نسبی و متغیر می‌باشد.</p> <p>۳. در ایده‌آلیسم، فرآیند شناخت، یادآوری ایده‌های نهفته در ذهن از طریق دیالکتیک است. در حالی که در پراگماتیسم، شناخت بر اثر بازسازی تجربه، به روش حل مسئله می‌باشد.</p> <p>۴. در ایده‌آلیسم، ملاک درستی معرفت، پیوستگی و ارتباط قضایای ذهنی در نظام جزء - کل می‌باشد. در حالی که در پراگماتیسم، ملاک حقیقت نسبی است و بستگی به نقش آن در موقعیت دارد.</p>
روش‌شناسی	<p>۱. هر دو مکتب در یک نگاه کلی تجربه‌گرا هستند.</p> <p>۲. بر عقل انسان در راستای حل مسائل تأکید دارند.</p>	<p>۱. در ایده‌آلیسم بیشتر از روش‌های کیفی پژوهش استفاده شده، اما در پراگماتیسم پژوهشگر می‌تواند بر حسب موقعیت، هم از روش‌های کیفی و هم از روش‌های کمی و یا ترکیبی از آن دو استفاده کند (کرسول، ۲۰۰۹: ۱۱) و به همین لحاظ محققان در استفاده از پیش فرض‌های کمی و کیفی در تحقیقات خود از آزادی عمل لازم برخوردار می‌شوند (کرسول، ۲۰۰۳)؛</p> <p>۲. پراگماتیست‌ها بر خلاف ایده‌آلیست‌ها به جهان به عنوان یگانگی و وحدت مطلق نمی‌نگرند. به همین دلیل با استفاده از روش‌های ترکیبی و با ملاحظه رویکردهای موجود به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات می‌پردازند تا اینکه صرفاً مقید به یک رویکرد باشند (همان)؛</p> <p>۳. پراگماتیست‌ها بر خلاف ایده‌آلیست‌ها بر این عقیده‌اند که حقیقت در یک رابطه دوگانه بین ذهن و واقعیت که کاملاً مستقل از ذهن است، تعیین می‌شود. بر این اساس، در تحقیق محقق از داده‌های کمی و کیفی استفاده می‌کند چراکه این دو روش توأم با یکدیگر به بهترین فهم از مسئله تحقیق منجر می‌شوند (همان)؛</p>

¹ Creswell

ادامه جدول(۱): وجوه اشتراک و افتراق در مبانی فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

مبانی فلسفی	وجوه اشتراک	وجوه افتراق
ارزش‌شناسی	<p>۱. ارزش، تلاش‌های فردی و اجتماعی است که با نظم اخلاقی جهان هماهنگ باشد.</p> <p>۲. آگاهی یافتن به روابط در جامعهٔ دموکراتیک، جهت ایجاد رفتارهای خوب با ارزش تلقی می‌شود.</p> <p>۳. کشف ارزش‌ها با یاری گرفتن از عقل امکان پذیر است.</p> <p>۴. معیار ارزش‌ها در رسیدن به هدف است.</p>	<p>۱. در ایده‌آلیسم، ارزش‌ها واقعی، مطلق و عقلانی هستند که ذاتاً در ساختار جهان موجودند. در حالیکه در پراگماتیسم ارزش‌ها نسبی و تجربی هستند.</p> <p>۲. در ایده‌آلیسم معیار ارزش‌ها، تأثیر آن در رسیدن به هدف غایی است. در حالی که در پراگماتیسم معیار قضایای ارزشی، شرکت در حل مسأله و داشتن نتیجه عملی سودمند می‌باشد.</p> <p>۳. در ایده‌آلیسم ارزش و هستی چون واقعیتی یگانه اند و در حالی که در پراگماتیسم ارزش و هستی (واقعیت) از هم جدا هستند.</p>

منبع: نگارندگان

روش‌شناسی

در این نوشتار، ضمن جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، بررسی مبانی نظری به‌منظور آشنایی با مکاتب فلسفی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر صورت گرفته که می‌تواند موجب ایجاد شناخت و آگاهی، و بروز روحیه نقادی نسبت به خط‌مشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی پایدار گردشگری شود. این پژوهش با اتخاذ رویکردی تطبیقی به مطالعه‌ی وجوه افتراق و تشابه دو مکتب فلسفی پراگماتیسم و ایده‌آلیسم در زمینه توسعه‌ی پایدار گردشگری پرداخته که یافته‌های آن را در قالب جدولی مجزا ارائه شده است. رویکرد مطالعه‌ی تطبیقی به‌عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌های علوم اجتماعی، در پی بررسی تفاوت و تشابه در بین کل‌ها و ترتیبات اجتماعی است.

پارادایم ایده‌آلیسم در گردشگری پایدار

به‌دلیل مسایل مترتب بر گردشگری انبوه، بسیاری از اندیشمندان حوزه‌ی گردشگری انواع ایده‌آل و جایگزین گردشگری (مانند گردشگری مسئولانه، اکوتوریسم و ...) را به‌عنوان ابزاری برای تحقق پایداری در توسعه‌ی گردشگری مطرح کردند. اما بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه تنها به بحث درباره‌ی اصول و مفروضات توسعه‌ی پایدار پرداخته (لیو، ۲۰۰۳: ۴۵۹) و کمتر نگاهی پراگماتیک در این خصوص داشته‌اند. این امر تا حدودی تحت تأثیر ماهیت ایده‌آلیستی توسعه‌ی پایدار بوده و به‌همین دلیل است که مفهوم گردشگری پایدار بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین انتقادات وارد شده بر توسعه‌ی پایدار، تناقض موجود در این اصطلاح است. بسیاری از منتقدین بر این باورند که نمی‌توان توسعه‌ی مبتنی بر رشد اقتصادی را با پایداری زیست‌محیطی همراه کرد (شارپلی، ۲۰۰۹: ۶۳). به‌عنوان مثال مک‌کرچر (۱۹۹۳) معتقد است ترکیب پایداری و گردشگری امکان‌پذیر نیست. شارپلی (۲۰۰۰) نیز گردشگری پایدار را

غیرممکن می‌داند. وی می‌گوید علیرغم اهمیت بسیاری از این اصول، گردشگری باید به دور از شعارهای توسعه‌ی پایدار که بیشتر جنبه سیاسی دارند، توسعه یابد (به نقل از کوکانن و ریوس-مورالز، ۲۰۱۳:۱۲۶).

ایده توسعه‌ی پایدار، پیوندی تنگاتنگ با محیط‌زیست دارد. انتقاد دیگری که به این مفهوم وارد می‌شود به مواضع مختلف درباره‌ی حفاظت و مدیریت محیط‌زیست اشاره دارد. رابینسون^۱ (۲۰۰۴) دو دیدگاه کلی درباره‌ی حفاظت از محیط‌زیست را این‌طور معرفی می‌کند: دیدگاه حامیان حراست از محیط‌زیست^۲ که دارای فلسفه‌ای رمانتیک و روحانی بوده و در پی حفظ محیط‌طبیعی به صورت توسعه‌نیافته و بکر است و دیدگاه حامیان حفاظت از محیط‌زیست^۳ که خواهان حفاظت از محیط و منابع طبیعی برای بهره‌برداری‌های آتی هستند. ماهیت ذهنی ایده‌آلیستی توسعه‌ی پایدار موجب شده تا هر گروه روش متفاوتی را برای مدیریت منابع طبیعی برگزیند و توافقی در این‌باره حاصل نکند. حامیان حراست از محیط‌زیست به دنبال ایجاد تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی هستند، درحالی که طرفداران حفاظت از محیط‌زیست، راهکارهای فن‌آورانه و منافع حاصل از کارایی را برمی‌گزینند.

در همین باره زاهدی و نجفی (۱۳۸۵) نیز با ارایه‌ی یک شمای مفهومی از توسعه‌ی پایدار، مفهوم توسعه را به دو فرآیند تغییر عینی و ذهنی تقسیم می‌کنند. با توجه به آنکه فرآیند تغییر عینی بر عامل‌بودن انسان و تغییر در دانش، تکنولوژی و نهادها به‌منظور تغییر در کیفیت فرد و جامعه تأکید دارد به پارادایم فکری پراگماتیسم بسیار نزدیک است. این درحالی است که فرآیند تغییر ذهنی با هدف قرار دادن انسان، بر تغییر در ارزش و دانش در راستای تغییر در کیفیت فرد و جامعه تأکید دارد و به پارادایم فکری ایده‌آلیسم نزدیک‌تر است. معنا و اهداف ایده‌ی توسعه‌ی پایدار هدف بعدی منتقدین است. مبراتو^۴ (۱۹۹۸) معتقد است نسخه‌های متفاوتی از توسعه‌ی پایدار تحت تأثیر مکاتب مختلف به‌وجود آمده است: نسخه ایدئولوژیک^۵، نسخه نهادی^۶، و نسخه آکادمیک^۷، که در اینجا متناسب با موضوع مورد بحث تنها دو نسخه نخست معرفی می‌شوند. «نسخه‌ی ایدئولوژیک پایداری» تحت تأثیر تلاش‌های فعالان محیط‌زیست شکل‌گرفته و برخی ایدئولوژی‌های کلاسیک، مانند الهیات رهایی‌بخش^۸، فمینیسم فمینیسم رادیکال و مارکسیسم را نیز تحت تأثیر قرار داده است. بدین ترتیب دیدگاه نوینی مبتنی بر این مکاتب ایجاد شده که در جدول شماره‌ی ۲ آمده است.

¹ Robinson

² preservationist

³ conservationist

⁴ Mebratu

⁵ Ideological Version

⁶ Institutional Version

⁷ Academic Version

⁸ Liberation theology

جدول (۲): بررسی تطبیقی نسخه‌ی ایدئولوژیک پایداری

ایدئولوژی	نظریه	منشأ بحران زیست‌محیطی	راهکار	مرکز رهبری
الهیات طبیعی ^۱	الهیات رهایمی‌بخش	بی‌احترامی به مشیت الهی	احیای معنویت	کلیساها و مجامع مذهبی
اکوفمینیسم	فمینیسم رادیکال	معرفت‌شناسی مردانه	برقراری مراتب ارزشی زنانه	جنبش زنان
اکوسوسیالیسم	مارکسیسم	کاپیتالیسم	برابری اجتماعی	جنبش کارگری

منبع: میراتو (۱۹۹۸)

حامیان الهیات طبیعی به تفسیر مجدد سنت‌های دیرین پرداخته و در متون کلاسیک به‌دنبال نکاتی بودند که انسان را در رویارویی با بحران کنونی یاری کند. برخی از این متفکرین کوشیدند تا آموزه‌های اخلاقی مذهبی درباره‌ی عشق و احترام به سایر انسان‌ها را به طبیعت غیر انسانی نیز تعمیم دهند. طبق این تفکر منشأ اصلی مشکلات کنونی حرص و طمع انسان است، و راه‌حل این مسئله در تواضع، وارستگی و قدرشناسی نهفته است. اگر انسان زندگی‌اش را با فضائل اصیل دینی شکل دهد، رابطه‌اش با طبیعت متعادل شده و از بحران نجات می‌یابد (میراتو، ۱۹۹۸: ۵۰۹).

همچنین امروزه اکوفمینیسم، به‌عنوان یکی از نهضت‌های حامی توسعه‌ی جایگزین (پیترسه^۲، ۲۰۱۰: ۸۵) به جریان مهمی در جنبش فمینیسم اشاره دارد که به‌وجود یک همبستگی میان سلطه بر طبیعت و سلطه بر زنان معتقد است (میراتو، ۱۹۹۸: ۵۰۶). فمینیست‌های حامی محیط‌زیست بر این باورند که ارتباط عمیقی میان استثمار زنان و سایر زیردستان (ظلم ناشی از نژاد، طبقه، جنسیت و ...) و استثمار طبیعت وجود دارد. در نتیجه، با توجه به ارتباط میان انسان‌ها و طبیعت تحت ستم، برای ایجاد تغییر در این شبکه‌ی روابط نابرابر قدرت می‌بایست پیوندی میان رویکردهای فمینیستی و اکولوژیکی برقرار شود (هامبرستون^۳، ۲۰۰۴: ۱۲۵).

اکوسوسیالیسم نیز بر این فرض استوار است که توسعه‌ی پایدار کاپیتالیستی یک تناقض است که هرگز محقق نمی‌شود. بحران اکولوژیکی که امروز با آن مواجه هستیم نمود بحران ذاتی نظام سرمایه‌داری است و تنها از طریق توسعه‌ی سوسیالیستی اکولوژی-محور رفع می‌شود (میراتو، ۱۹۹۸) بنابراین کاپیتالیسم باید با توسعه‌ی سوسیالیستی جایگزین شود که در آن تکنولوژی الف) با تمام طبیعت (از جمله انسان) سازگار است و مخرب آن نیست، و ب) توانایی

^۱ Eco-theology

^۲ Pieterse

^۳ Humberstone

و قدرت کنترل تولیدکنندگان را تقویت می‌کند (پیپر^۱، ۲۰۰۳: ۲۳۳). در اکوسوسیالیسم، جنبش کارگری باید نیرویی مهم در تغییرات اجتماعی باشد و توانایی‌های خود را بازباید (مبراتو، ۱۹۹۸: ۵۰۸).

افزون بر این، «نسخه نهادی پایداری» دیدگاهی رایج است که به‌جای مخالفت با توسعه‌ی مبتنی بر رشد اقتصادی در پی اصلاحات بوده و بر اساس بازارهای آزاد سرمایه‌داری، رشد اقتصادی، پیشرفت تکنولوژی، و خودکنترلی زیست‌محیطی شکل گرفته است. جدول شماره‌ی ۳ بررسی تطبیقی نسخه نهادی پایداری را نشان می‌دهد (مبراتو، ۱۹۹۸: ۵۰۸). نگاهی به تعاریف این نهادها از توسعه‌ی پایدار نشان می‌دهد که همگی آن‌ها به نوعی به رفع نیازها تأکید دارند. این موضوع نشان‌دهنده‌ی نگرش پراگماتیک این نهادها به مفهوم توسعه‌ی پایدار است، زیرا همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، نتیجه‌گرایی و توجه به منافع حاصل از فعالیت‌ها یکی از ویژگی‌های اصلی فلسفه پراگماتیسم است.

جدول (۳): بررسی تطبیقی نسخه‌ی نهادی پایداری

نهاد	انگیزه	راهکار	متولی	ابزار (رهبری)
WCED	اجماع سیاسی	رشد پایدار	ملت-دولت	دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی
IIED ^۲	توسعه‌ی روستایی	حفاظت اصولی از محیط زیست ^۳	جوامع	NGOهای ملی و بین‌المللی
WBCSD ^۴	سود کسب و کار	کارایی زیست‌محیطی	کسب و کارها و صنایع	رهبر سازمانی

منبع: مبراتو (۱۹۹۸)

مؤسسه‌ی بین‌المللی محیط‌زیست و توسعه (IIED)، توسعه‌ی پایدار را مبتنی بر سه سیستم می‌داند: سیستم منابع اکولوژیکی یا بیولوژیکی، سیستم اقتصادی، و سیستم اجتماعی. جوامع انسانی برای هر یک از این سیستم‌ها اهداف کلان و خردی در نظر می‌گیرند. طبق تعریف، هدف توسعه‌ی پایدار حداکثر ساختن تحقق اهداف در هر یک از این سه سیستم از طریق بده-بستان‌های متعادل است. راهکار مورد نظر این نهاد مبتنی است بر توانمندسازی مردم برای این که مسئولیت توسعه خود را برعهده بگیرند و از محدودیت‌های زیست‌محیطی و الزامات رفع نیازها آگاه شوند. تمرکز این نهاد بر توسعه‌ی روستایی در کشورهای در حال توسعه است (مبراتو، ۱۹۹۸: ۵۰۵). در این تعریف، از بده-بستان میان سیستم‌ها به‌عنوان راهکار

^۱ Pepper

^۲ International Institute for Environment and Development (IIED)

^۳ Primary Environmental Care (PEC)

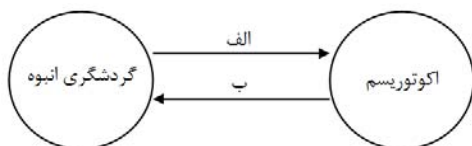
^۴ World Business Council for Sustainable Development (WBCSD)

حداکثرسازی تحقق اهداف یاد شده است. این بده-بستان‌ها نشان‌دهنده‌ی اولویت‌بندی امور و اهداف در این دیدگاه است که یکی از ویژگی‌های اصلی فلسفه پراگماتیسم به شمار می‌رود. در تعریف شورای جهانی تجارت برای توسعه‌ی پایدار (WBSCD) از توسعه‌ی پایدار رشد اقتصادی در تمام نقاط جهان برای بهبود معیشت فقرا و حفاظت از جمعیت‌های روبه رشد و ثبات جمعیت ضروری است. برای چنین رشدی به فناوری‌های جدید نیاز است تا با استفاده‌ی کارا تر از انرژی و سایر منابع آلودگی کمتری ایجاد شود (همان) توجه این شورا به رشد اقتصادی به‌عنوان هدف توسعه و نیاز به فناوری به‌عنوان راهکاری برای پایداری توسعه نمودی از گرایش پراگماتیستی آن در تعریف توسعه‌ی پایداری است. رابینسون (۲۰۰۴) که رویکردی عمل‌گرا به توسعه‌ی پایدار را برمی‌گزیند، سه انتقاد را بر این مفهوم ایده‌آلیستی وارد می‌داند. ابهام، تزویر، و فریب. توسعه‌ی پایدار نه تنها از نظر تعریف، بلکه به‌لحاظ معناشناختی نیز مبهم است. آیا در این اصطلاح توسعه مقدم است و منظور از توسعه‌ی پایدار توسعه‌ای است که می‌تواند استمرار یابد یا منظور از آن توسعه‌ای است که مقید به محدودیت‌های زیست‌محیطی است؟ گفتمان توسعه‌ی پایدار می‌تواند ظاهری فریبنده برای برخی فعالیت‌های ناپایدار باشد. ممکن است برخی کالاها، خدمات و فعالیت‌ها دارای برجسب‌های زیست‌محیطی باشند ولی نمی‌توان به راحتی صلاحیت زیست‌محیطی آن‌ها را تأیید کرد. البته برای غلبه بر مشکل تزویر در پایداری، شاخص‌ها و مجوزهایی در نظر گرفته شده است. رابینسون (۲۰۰۴) ماهیت متناقض توسعه‌ی پایدار را فریبنده می‌داند؛ زیرا اولاً همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، توسعه‌ی مستمر با محدودیت‌های زیست‌محیطی امکان‌پذیر نیست. ثانیاً تمرکز بر این مفهوم ممکن است توجه را از مسائل واقعی و راهکارهای بالقوه منحرف سازد. پس از بر شمردن نقاط ضعف ایده‌ی توسعه‌ی پایدار، وی رویکردی پراگماتیک به این مفهوم را توصیه می‌کند.

پارادایم پراگماتیسم در گردشگری پایدار

در انتقادی به مفهوم گردشگری پایدار، لیو (۲۰۰۳) پژوهش‌های این حوزه را هدف قرار می‌دهد و معتقد است از آن‌جا که احتمال رشد گردشگری در بلندمدت وجود دارد، مطالعات کاربردی‌تر و به‌دور از آرمان‌گرایی در این زمینه ضروری است. تنها در این صورت است که پژوهش‌ها می‌توانند از خطر نامرتبب بودن با دنیای واقعی به‌دور باشند. بسیاری از نویسندگان توضیح شفاف‌تر و عملیاتی‌تر مفهوم پایداری در گردشگری را ضروری دانسته و در پی ایجاد استاندارد و معیارهایی در این زمینه بوده‌اند. اکنون زمان آن فرارسیده تا خط‌مشی‌هایی تدوین شود که نه تنها به‌لحاظ نظری قابل قبولند، بلکه به‌لحاظ عملی نیز قابل اجرا باشند. بدون ایجاد ابزارهای مؤثر برای تبدیل ایده‌آل‌ها به عمل، گردشگری پایدار قابلیت اجرا ندارد و در دنیای واقعی موضوعیت نمی‌یابد. همچنین باید برای به‌کارگیری اصول توسعه‌ی پایدار در گردشگری

رایج و متعارف انبوه راهکارهایی معرفی شود؛ زیرا این چیزی است که در دنیای واقعی امروز اتفاق افتاده و نیازمند توجه است (لیو، ۲۰۰۳: ۴۷۲) و رویکردی عمل‌گرا را می‌طلبد. در همین باره، ویور^۱ (۲۰۰۱) با نگاهی پراگماتیک مفهوم اکوتوریسم انبوه را معرفی کرده و معتقد است می‌توان با بهره‌گیری از منافع هریک اکوتوریسم انبوه را به نحوی مطلوب توسعه داد (شکل شماره ۱) گردشگری انبوه برای اکوتوریسم منافی در پی دارد، از جمله فراهم‌آوردن انبوهی از مشتریان و درآمد، ایجاد صرفه‌های مقیاس سازگار با مفهوم پایداری و افزایش قدرت چانه‌زنی و توان رقابت با سایر فعالیت‌های اقتصادی در به‌دست‌آوردن منابع محدود. اکوتوریسم نیز می‌تواند برای گردشگری انبوه منافی داشته باشد، مانند متنوع‌سازی محصول گردشگری انبوه، جذابیت برای بازار روبه رشد گردشگری انبوه سبز و تبلیغ برای اصول پایداری. بدین ترتیب با فراهم‌آوردن شرایطی برای توسعه‌ی اکوتوریسم انبوه علاوه بر پاسخ به نیاز بازار می‌توان از منافع هر دو نیز بهره برد و پایداری را در عمل محقق ساخت. توجه به رقابت و نیاز بازار از جمله موضوعاتی است که در پراگماتیسم مطرح است.



شکل (۱): روابط تعاملی سودمند میان اکوتوریسم و گردشگری انبوه

منبع: ویور (۲۰۰۱)

رویکرد پراگماتیسم شفاف، کاربردی و تعاملی است. پراگماتیسم، به‌عنوان یک چارچوب فلسفی، به ما این امکان را می‌دهد که به‌طور شفاف اقداماتی را انجام دهیم. رویکرد پراگماتیسم لزوم حرکت در جهت پایداری را آشکار ساخته و نیاز به استدلال‌های مشکل و پیچیده ندارد ابعاد اخلاقی تصمیم‌گیری پراگماتیستی عبارتند از (یورک^۲، ۲۰۰۹: ۱۰۴):

۱. انتخاب گزینه‌ای که فرصت‌های بهینه‌ای را از تجارب ارزشمند آینده در اختیار ما می‌گذارد.
۲. انتخاب گزینه‌ای که ما را در راستای آن چه می‌خواهیم باشیم قرار دهد.

بدین ترتیب یک تصمیم اخلاقی پراگماتیک تنها مبتنی بر یک اصل واحد نیست. برای تصمیم‌گیری نه تنها باید ابعاد و پیامدهای متعدد تصمیم را در نظر گرفت، بلکه می‌بایست امکان‌پذیری تصمیمات را نیز بررسی کرد. حال باید دید که چگونه عناصر اخلاق پراگماتیک به

¹ Weaver

² York

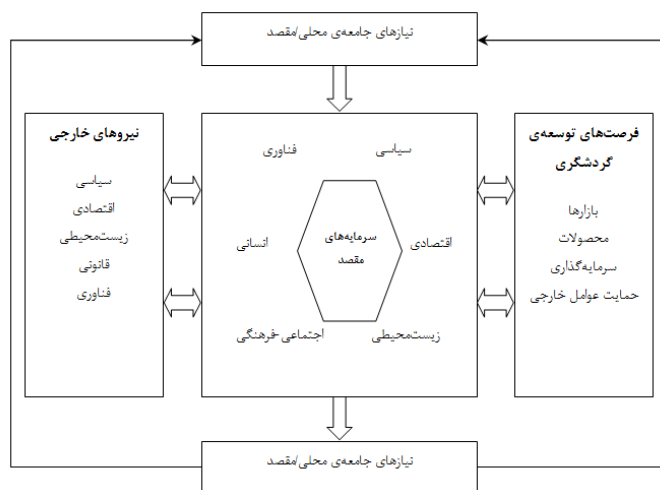
تصمیم‌گیرندگان کسب و کارها این امکان را می‌دهد که مسائل زیست‌محیطی را در تصمیماتشان لحاظ کنند.

اخلاق پراگماتیک زیست‌محیطی بسیار روشن و قابل اجراست. تصمیمات کسب و کارها معطوف به هدف است. در واقع کسب و کارها برای تحقق اهدافی مشخص فعالیت می‌کنند؛ اهدافی مانند بقا، افزایش ارزش سهام و توجه به منافع ذینفعان. در این تصمیمات اثرات مالی مورد توجه قرار می‌گیرند. به‌جای صرف نظر از آثار مالی و تأکید بر ایده‌ها و آرمان‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرند، پایداری پراگماتیک به کسب و کارها این امکان را می‌دهد که در تصمیمات زیست‌محیطی خود به برآورد اثرات مالی نیز بپردازند. بسیاری از فعالان محیط‌زیست معتقدند که نمی‌توان برای کالاهای زیست‌محیطی ارزشی تعیین کرد و نباید آن‌ها را در تحلیل‌های هزینه-فایده وارد کرد، اما این دیدگاه آرمانی در محیط کسب و کار قابل اجرا نیست و واقعیات شرکت‌ها را نادیده می‌گیرد (یورک، ۲۰۰۹: ۱۰۴) در رویکرد پراگماتیک پایداری، مدیران می‌توانند منابع جدیدی برای ایجاد ارزش افزوده‌ی اقتصادی بیابند (همان جا):

- کاهش هزینه به‌صورت متمایز: توانایی در تولید محصولات مشابه رقبا با هزینه‌ای کمتر.
 - ۱. کاهش هزینه‌های عملیاتی: ناشی از استفاده‌ی مجدد، کاهش ضایعات، و کاهش مصرف منابع (آب، برق و ...)
 - ۲. کاهش ریسک: شامل ریسک‌های قانونی و اجتماعی مربوط به مسائل زیست‌محیطی و سلامتی
 - ۳. کاهش هزینه‌ی کارکنان: افزایش بهره‌وری و نگهداشت کارکنان و کاهش هزینه‌های استخدامی زیرا کارکنان احساس می‌کنند در شرکتی کار می‌کنند که با ارزش‌هایشان سازگار است.
 - افزایش درآمد و سهم بازار: که از طریق ایجاد تمایز و ورود به بازارهای غیر قابل دسترس رقبا حاصل می‌شود.
 - ۱. دسترسی به بازارها: با تولید محصولات دوستدار محیط‌زیست دسترسی با بازارهایی ویژه میسر می‌شود.
 - ۲. خرید ترجیحی: حفظ مشتریان فعلی
 - ۳. ارتقای نوآوری: پایداری پراگماتیک حامی نوآوری است. شرکت‌هایی که می‌دانند چگونه خود را بهتر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر با قوانین سازگار کنند، و یا حتی از آن‌ها پیشی گیرند، به یک مزیت رقابتی دست می‌یابند.
- بدین ترتیب با اتخاذ رویکرد پراگماتیسم، اهداف توسعه‌ی پایدار در قالب اهداف کسب و کار تنظیم شده و با آن در یک راستا قرار می‌گیرد. درحالی‌که با نگاه ایده‌آلیستی به توسعه، رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی- فرهنگی و اخلاقی الزاماً منجر به سودآوری که هدف اصلی

کسب و کار است نمی‌شود، زیرا ممکن است این ملاحظات همراستا با اهداف مالی یک بنگاه اقتصادی نباشد.

علاوه بر کسب و کارها، رویکرد پراگماتیک به توسعه‌ی گردشگری در سطح مقصد نیز توصیه می‌شود. رویکرد پراگماتیک به توسعه‌ی گردشگری در مقصدها، بر خلاف رویکرد ایده‌آلیستی توسعه‌ی پایدار که با ایجاد محدودیت‌هایی منافع گردشگری را برای مقصدها کاهش می‌دهد، سعی دارد با در نظر گرفتن پارامترهای محیطی- محلی منافع حاصل از گردشگری را بهینه سازد. در همین راستا، شارپلی (۲۰۰۹: ۱۸۰-۱۸۳) چارچوبی را تحت عنوان الگوی سرمایه‌های مقصد^۱ ارائه داده (شکل شماره ۲) که خود آن را رویکردی پراگماتیک به توسعه‌ی پایدار می‌خواند (شارپلی، ۲۰۰۹: ۱۹۸). هدف اصلی از توسعه‌ی گردشگری، برآورده ساختن نیازهای محلی و ملی است، به‌همین دلیل این الگو با شناسایی این نیازها آغاز می‌شود. به‌عبارت دیگر، در مرحله‌ی اول بیانیه‌ی مأموریت مقصد تدوین می‌شود. در این الگو مقصد یک سازمان فرض شده است که خدمات و تسهیلات، جاذبه‌ها و سایر عرضه‌کنندگان محصولات گردشگری واحدهای مختلف این سازمان هستند. همان‌طور که سازمان‌ها برای تدوین استراتژی‌های خود با بررسی محیط داخلی، به منابع، توانایی‌ها، دانش و شایستگی‌های خود پی برده و با بررسی محیط خارجی، از فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی آگاه می‌شوند، مقصدها نیز در این الگو برای برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری چنین فرآیندی را طی می‌کنند.



شکل (۲): الگوی سرمایه‌های مقصد برای توسعه‌ی گردشگری (با رویکرد پراگماتیک)

منبع: شارپلی (۲۰۰۹: ۱۸۱)

^۱ A destination capitals model

در این الگو مسئولیت استفاده از منابع متوجه مقصد است. این مقصد است که نحوه‌ی استفاده از منابع را با در نظر گرفتن فرهنگ، آداب و دانش محلی تعیین می‌کند. در نتیجه، پایداری همان‌گونه که مقصد آن را تعریف می‌کند در ماهیت این فرآیند گنجانده شده و به‌عنوان یک مفهوم ایدئولوژیک از بیرون تحمیل نمی‌شود. بدین ترتیب الگوی سرمایه‌های مقصد به مقصدهای گردشگری این امکان را می‌دهد که برای توسعه‌ی گردشگری با ماهیت و مقیاسی مشخص برنامه‌ریزی کنند به‌طوری که نیازهای محلی را برآورده ساخته و از منابع محلی بهترین استفاده را کنند تا منافع بهینه‌ای از گردشگری حاصل شود. بنابراین ممکن است مقصدهای مختلف با توجه به نیازها/اهداف و سرمایه‌هایشان، مسیرهای کاملاً متفاوتی را برای توسعه‌ی گردشگری بپیمایند.

همچنین درباره‌ی دیدگاه پراگماتیستی در برنامه‌های کلان کشور، می‌توان از برنامه‌ی ملی توسعه‌ی گردشگری جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نخستین بخش از یک طرح فراگیر بلندمدت برای توسعه و مدیریت گردشگری کشور نام برد. بطوریکه اهداف کلی توسعه‌ی بخش گردشگری این برنامه عبارتند از کمک به ارتقاء و تقویت روابط ایران با سایر کشورها به‌عنوان بخشی از راهبرد گفتگوی بین تمدن‌ها، ایجاد اشتغال برای جوانان و افراد بیکار، فراهم آوردن فرصت‌های اقتصادی در مناطق روستایی، افزایش درآمدهای ارزی کشور، کمک به ارتقاء سطح رفاه اجتماعی و مهم‌تر از همه حصول اطمینان از پایدار بودن توسعه‌ی گردشگری از لحاظ زیست‌محیطی و اجتماعی- فرهنگی. در مجموع با بررسی برنامه‌ی توسعه‌ی گردشگری ایران می‌توان گفت که با توجه به تمایل به فواید و نتیجه‌ی توسعه‌ی گردشگری و تمرکز بر توسعه‌ی زیرساخت‌ها، تسهیلات و خدمات گردشگری و محصولات آن و نیز توجه به اولویت‌بندی امور به دلیل محدودیت منابع، زمان و امکانات در دسترس و از طرفی حفاظت و نگهداری محیط‌زیست از طریق پیشرفت فناوری، رویکرد این برنامه به رویکرد پراگماتیستی نزدیک است. البته لازم به ذکر است که دیدگاه‌های موجود در مورد بحران موجود در توسعه‌ی گردشگری ایران، نیازمند تغییر در نگاه، نگرش سیستماتیک، توسعه‌ی زیرساخت‌ها و تغییر در ساختار اقتصادی کشور می‌باشد (جعفری هفتخوانی، ۱۳۹۱: ۸)، به‌طوری که ضیایی (۱۳۸۸) در این باره، توسعه‌ی پایدار گردشگری را مرهون تغییر نگرش در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی گردشگری دانسته، و تأکید صرف بر توسعه‌ی زیرساخت‌ها به‌عنوان ابزار و فناوری توسعه را که حاصل نگاه پراگماتیستی است کافی نمی‌داند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله توسعه‌ی پایدار گردشگری از دیدگاه دو مکتب فلسفی پراگماتیسم و ایده‌آلیسم مورد بررسی قرار گرفت و علاوه بر وجوه اشتراک و افتراق اهداف توسعه‌ی پایدار

گردشگری در این دو دیدگاه، به نقاط قوت و ضعف بارز در اهداف این دو دیدگاه نیز پرداخته شد. همان‌گونه که پیشتر عنوان گردید، ماهیت ذهنی ایده‌آلیستی توسعه‌ی پایدار موجب شده تا هر گروه روش متفاوتی را برای مدیریت و برنامه‌ریزی منابع طبیعی برگزینند و توافقی در این باره حاصل نگردد. حامیان حراست از محیط‌زیست به‌دنبال ایجاد تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی هستند، درحالی که طرفداران حفاظت از محیط‌زیست راهکارهای تکنولوژیک و منافع حاصل از کارایی را برمی‌گزینند. این در حالی است که رویکردی که دیدگاه پراگماتیسم برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بر می‌گزیند نسبت به بسیاری از رویکردهای متعارف برنامه‌ریزی، مانند الگوی برنامه‌ریزی عقلایی و برنامه‌ریزی استراتژیک رسمی منعطف‌تر است. در واقع پراگماتیست‌ها از رویکردهای برنامه‌ریزی ارتباطی^۱ مانند برنامه‌ریزی پویا^۲، ایجاد توافق^۳، و برنامه‌ریزی مشارکتی^۴ استفاده می‌کنند. این رویکرد اصلاحات عملی مشخصی را برای ایجاد اجماع و فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکتی ارایه می‌دهد. در رویکرد پراگماتیستی مفاهیم ثابت نیستند، بلکه منعطف و روانند و ویژگی‌های آن‌ها قابل تغییر است. درستی یک تصمیم در این دیدگاه به این معناست که تصمیم تا چه حد ما را به هدفمان نزدیک می‌کند، نه این‌که چه قدر به واقعیت نزدیک است (جمال و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۷۴). ویلیام جیمز در کتاب *پراگماتیسم* می‌گوید: "تفاوت پراگماتیست‌ها با غیر پراگماتیست‌ها در معنای واژه‌ی حقیقت است. پراگماتیست‌ها وقتی از حقیقت سخن می‌گویند، منظورشان منحصراً چیزی راجع به کارایی آن‌هاست؛ در حالی که غیرپراگماتیست‌ها وقتی از حقیقت سخن می‌گویند، منظورشان خود اشیاء است" (جیمز، ۱۳۷۰: ۱۴۵). به علاوه پراگماتیسم ابزاری کارآمد برای ادغام ملاحظات زیست‌محیطی در تصمیمات کسب و کار است. استفاده از تصمیم‌گیری پراگماتیک منجر به توجه به مسائل زیست‌محیطی در فرآیند تصمیم‌گیری شده و می‌تواند مزیت رقابتی ایجاد کند. با به‌کارگیری اصول اخلاقی پراگماتیک، مدیران می‌توانند نتایج بهتری برای شرکت‌های خود و محیطی که در آن فعالیت می‌کنند رقم زنند. این در حالی است که ایده‌آلیست‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بر تقلید و پیروی از الگو تأکید دارند. در ایده‌آلیسم هدف، رسیدن به حقایق ثابت (ایده‌ها) از راه تفکر و اندیشه (روش دیالکتیکی) می‌باشد. به‌نظر آن‌ها انتخاب آگاهانه و آزادانه افراد جامعه می‌تواند وجدانی بیدار و داوری منصفی برای رفتار ملی باشد (نصری، ۱۳۸۲: ۵۹۹). جدول شماره‌ی ۴ توسعه‌ی پایدار گردشگری از دیدگاه دو پارادایم فکری ایده‌آلیسم و پراگماتیسم را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد:

^۱ Communicative planning

^۲ Progressive planning

^۳ Consensus building

^۴ Collaborative planning

جدول (۴): توسعه‌ی پایدار گردشگری از دیدگاه دو پارادایم فکری ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

توسعه‌ی پایدار گردشگری	
پراگماتیسم	ایده‌آلیسم
مطالعات کاربردی	مطالعات آرمان‌گرایانه
تمایل به توجه به فواید و نتیجه توسعه‌ی گردشگری	تمایل به توسعه‌ی گردشگری جامعه محور
توجه به اولویت بندی امور به دلیل محدودیت عمر و امکانات بشر	توجه به نیازها و منافع جوامع محلی
توجه به اثرات مالی و زیست محیطی در راستای افزایش سودآوری حاصل از توسعه‌ی گردشگری	توجه به اثرات زیست محیطی در راستای توسعه‌ی پایدار گردشگری
توجه به ارزش ابزاری محیط زیست	توجه به ارزش ذاتی محیط زیست
حفظ محیط زیست از طریق پیشرفت تکنولوژی و کارایی زیست‌محیطی	حفظ محیط زیست از طریق اصلاح ارزش‌ها و سبک زندگی
بهبود نمودن منافع حاصل از توسعه‌ی گردشگری	محدود نمودن منافع گردشگری برای مقصد از طریق ایجاد محدودیت‌ها

منبع: نگارندگان

به‌علاوه مقایسه برخی از مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار گردشگری اعم از مشارکت، اصول اخلاقی، حفظ محیط‌زیست و آموزش از دیدگاه دو مکتب فلسفی پراگماتیسم و ایده‌آلیسم (جدول شماره‌ی ۵) نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی مشخص بین این دو مکتب درخصوص توسعه‌ی پایدار گردشگری وجود دارد که به‌نظر می‌رسد استفاده از اصول هر دو مکتب و اصرار نداشتن بر توجه به یکی و رها کردن دیگری، گزینه بهتری برای توسعه‌ی پایدار گردشگری باشد که می‌تواند موجبات رشد پایدار هرچه بیشتر این صنعت را فراهم سازد که لازم است در برنامه‌های ملی نیز به این امر توجه بسیار گردد.

جدول (۵): مقایسه برخی از مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار گردشگری از دیدگاه پراگماتیسم و ایده آلیسم

مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار گردشگری	رویکرد پراگماتیسم	رویکرد ایده آلیسم
مشارکت: اهمیت مردم در دستیابی به توسعه‌ی پایدار و توجه به افراد به عنوان محور توسعه و تلاش در جهت برقراری مشارکت.	پراگماتیست‌ها از رویکردهای برنامه‌ریزی ارتباطی مانند برنامه‌ریزی مشارکتی (جمال و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۷۶) استفاده می‌کنند این رویکرد اصلاحات عملی مشخصی را برای ایجاد اجماع و فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکتی ارائه می‌دهد.	ایده‌آلیست‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بر تقلید و پیروی از الگو تأکید دارند. چرا که الگو، مظهر کاملی از عالی‌ترین ارزش‌ها است (لیو، ۲۰۰۳: ۴۷۰)
اخلاق: برقراری نظام اخلاق زیست محیطی مبتنی بر جمع‌گرایی، آینده‌محوری و معنویت‌گرایی برای تحقق عدالت اجتماعی بین نسل‌ها. (حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده)	در پراگماتیسم به منظور پی بردن به قواعد و رفتارهای تحقق یافته عقلانی، سودمند و نسبی (یورک، ۲۰۰۹: ۱۰۰) مربوط به اصول دموکراسی است.	در ایده آلیسم استفاده از اصول اخلاقی در جهت پی بردن به قوانین اخلاقی مطلق، پایدار و فراگیر (میرزامحمدی، ۱۳۸۷: ۵۰) است.
حفظ محیط زیست: حفظ پایداری منابع و اجتناب از تخریب منابع	در حالی که در پراگماتیسم بر حفظ محیط زیست از طریق پیشرفت تکنولوژی و کارایی زیست‌محیطی (یورک، ۲۰۰۹: ۱۰۰) تأکید می‌گردد.	در ایده آلیسم بر حفظ محیط زیست از طریق اصلاح ارزش‌ها، سبک زندگی افراد و اشخاص (رابینسون، ۲۰۰۴: ۳۷۲) تأکید می‌شود.
آموزش: گسترش آموزش‌های لازم در زمینه توسعه‌ی پایدار گردشگری	در حالی که در پراگماتیسم هدف رسیدن به حداکثر رشد (بازسازی تجارب) از راه توانا ساختن فرد برای حل مسأله می باشد (میرزامحمدی، ۱۳۸۷: ۵۱)	در ایده آلیسم هدف از آموزش، رسیدن به حقایق ثابت (ایده‌ها) از راه تفکر و اندیشه (روش دیالکتیکی) می باشد.

منبع: نگارندگان

منابع

۱. جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۹۱). برنامه‌ی ملی توسعه و مدیریت جهانگردی جمهوری اسلامی ایران (مروری بر فرآیند تدوین، تصویب، نقد و فرجام آن)، دفتر مطالعات فرهنگی.
۲. جیمز، ویلیام (۱۳۷۵). پراگماتیسم، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. خاتمی، محمود (۱۳۸۷). *ملاحظات‌ی در باب مدرنیته و پست‌مدرنیسم، رهیافت‌های فکری - فلسفی معاصر در غرب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۴.*
۴. داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۱). *علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه (چاپ ۲)، تهران: فردایی دیگر.*
۵. دفتر پروژه‌ی برنامه‌ی ملی توسعه‌ی گردشگری (۱۳۸۰). *برنامه‌ی ملی توسعه‌ی گردشگری جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان ایرانگردی و جهانگردی.*
۶. رهبری، مهدی (۱۳۹۰). *پراگماتیسم و سیاست: مروری بر تأثیرات رویکرد پراگماتیستی در حوزه‌ی سیاسی، فصلنامه‌ی سیاست، سال ۴۱، شماره‌ی ۲، ۱۴۲-۱۲۵.*
۷. ریتزر، جورج (۱۳۸۰). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی*
۸. زاهدی، شمس‌السادات، نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵). *بسط مفهومی توسعه‌ی پایدار، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴، ۷۶-۴۳.*
۹. سبزیان موسی‌آبادی، علیرضا و بهمن، شعیب (۱۳۸۹). *پراگماتیسم و سیاست: بررسی و نقد پراگماتیسم در قلمرو سیاست و حکومت، فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره‌ی ۵، ۱۲۳-۸۹.*
۱۰. شکوهی، سجاد، بلاغت، سیدرضا (۱۳۹۱). *مدیریت آموزشی در چشم‌انداز پراگماتیسم و ایده‌آلیسم (نمونه‌ی موردی مدیریت کلاس‌های آموزش زبان)، نخستین همایش ملی علوم مدیریت نوین، استان گلستان، گرگان.*
۱۱. صالح، عبدالله (۱۳۳۸). *پراگماتیسم در اسلام، تهران: نشر بی‌تا.*
۱۲. ضیایی، محمود (۱۳۸۸). *سلسله نشست‌های توسعه‌ی پایدار گردشگری و چالش‌های فراروی آن در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.*
۱۳. عرب‌مؤمنی، ناصر (۱۳۹۰). *تطبیق فلسفه‌ها از منظری دیگر - مقایسه‌ی آرای فلسفی، آری یا خیر؟، قابل دسترس در www.ptra.ir، تاریخ مشاهده‌ی صفحه ۱۳۹۳/۰۲/۳۰.*
۱۴. قادری، اسماعیل (۱۳۸۳). *نگاهی به برنامه‌ی ملی توسعه‌ی گردشگری جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر راهبردهای منطقه‌بندی و توسعه‌ی منابع انسانی)، مجله‌ی مجلس و راهبرد، شماره‌ی ۴۴.*
۱۵. قنبری، آیت (۱۳۸۳). *نقدی بر اومانیزم و لیبرالیسم، قم: نشر فراز اندیشه.*
۱۶. میرزاحمدی، محمدحسن؛ علیین، حمید و حسنی، غفور (۱۳۸۷). *مقایسه‌ی اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ایدئالیسم و پراگماتیسم، دوماهنامه‌ی دانش و رفتار، سال ۱۵، شماره‌ی ۳۰، ۵۲-۴۵.*
۱۷. نصری، قدیر (۱۳۸۲). *تأملی روش‌شناختی در بنیادهای مکتب ایده‌آلیسم، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال ۶ شماره‌ی ۳، ۶۱۸-۵۹۵.*
18. Creswell, J. W; V. L. Plano Clark; M. L. Guttman and Hanson, E. E.(2003). **Advanced Mixed Methods Research Design**, Thousand Oaks: SAGE Publications, Inc.
19. Creswell, J. W. (2009). **Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches** (3rd ed.) Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc.
20. Humberstone, B. (2004). Standpoint Research: Multiple versions of reality in tourism theorising and research. In J. Phillimore, & L. Goodson, **Qualitative Research in Tourism: Ontologies, Epistemologies and Methodologies** (pp. 119-136) London: Routledge.

21. Jamal, T. B., Stein, S. M., and Harper, T. L. (2002). Beyond Labels Pragmatic Planning in Multistakeholder Tourism-Environmental Conflicts, **Journal of Planning Education and Research**, 22(2): 164-177.
22. Jean-Rousseau, J.(1973). **Discourse on the Origin and Foundations of inequality among Men**, Cambridge: Cambridge University Press.
23. Kuokkanen, H., and Rios-Morales, R. (2013). Developing Sustainable Competitive Advantage in the tourism Industry: a financial conceptual model. In I. Jenkins, and R. Schroder, **Sustainability in Tourism: A Multidisciplinary Approach** (pp. 121-136) Wiesbaden: Springer.
24. Liu, Z. (2003). Sustainable Tourism Development: A Critique, **Journal of Sustainable Tourism**, 11(6): 459-475.
25. Mebratu, D. (1998). Sustainability and Sustainable Development: Historical and Conceptual Review, **Environmental Impact Assessment Review**, 18: 493-520.
26. Meuser, T., and Von Peinen, C. (2013). Sustainable Tourism: "wish you weren't here", In I. Jenkins, & R. Schroder, **Sustainability in Tourism: A Multidisciplinary Approach** (pp. 85-102), Wiesbaden: Springer.
27. Mowforth, M., and Munt, I. (1998). **Tourism and Sustainability: New Tourism in the Third World**, London: Rutledge.
28. Paterson, B. L. (2008). Pluralism. In L. M. Given, **The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods** (pp. 633-637), Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
29. Pepper, D. (2003). **Eco-Socialism: from Deep Ecology to Social Justice**, London: Taylor & Francis e-Library.
30. Pieterse, J. N. (2010). **Development Theory** (2nd ed.), London: SAGE Publications.
31. Robinson, J. (2004). Squaring the Circle? Some thoughts on the idea of sustainable development, **Ecological Economies**, 48(4): 369-384.
32. Sharpley, R. (2009). **Tourism Development and the Environment: Beyond Sustainability?**, London: Earth scan.
33. Sharpley, R., & Telfer, D. J. (2008). **Tourism and Development in the Developing World**, Oxford: Rutledge.
34. Weaver, D. B. (2001). Ecotourism as Mass Tourism: Contradiction or Reality? **Cornell Hotel and Restaurant Administration Quarterly**, 42: 104-112.
35. York, J. G. (2009). Pragmatic Sustainability: Translating Environmental Ethics into Competitive Advantage, **Journal of Business Ethics**, 85(1):97-109.